

بدیع فارسی - بدیع عربی

چکیده

در این مقاله سعی شده است تا با روشی علمی و نظام‌مند به تبیین و تشریح تفاوت‌ها و شباهت‌ها بین بدیع فارسی و عربی بپردازد. بدیع فارسی و عربی هر دو از صنایع ادبی هستند که از زبان عربی نشأت گرفته‌اند و موفقی نبوده‌اند. نقد و بررسی علمی بدیع فارسی و عربی با هدف توضیح تفاوت‌ها و شباهت‌ها از نظر تالیفات می‌گردد.

کتاب و ژانرها

علم بدیع، علوم بلاغت، زیبایی‌شناسی، تنافر حروف، تقابح اضافات، سجع، صدا معنائی و...

دکتر علی میدری

عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان



«بدیع» مانند «معانی» و «بیان» یکی از نظام‌های ادبی است که در سایه‌ی قرآن ایجاد شده و رشد کرده است. بسیاری از علمای عرب در صدد استخراج اصحاح لفظی قرآن برآمده و در این زمینه کتبی تألیف کرده‌اند؛ از جمله المجاز فی تفسیر القرآن تألیف ابو عبیده، نظم القرآن، تألیف جاحظ بصری، دلایل الاعجاز و اسرار البلاغه از عبدالقاهر جرجانی و... چنان‌که پیداست مدار فنون بلاغت در ابتدا حول محور قرآن مجید بوده است، سپس به مرور زمان دامنه‌ی آن از قرآن به ادبیات عرب کشیده شد و مؤلفین این کتب از امثله‌ی قرآنی کاسته و به نظم عربی متمایل شده‌اند. این مباحث بلاغی عیناً در زبان فارسی نیز رواج پیدا کرده بود تا این‌که محمد عمر رادویانی در صدد تألیف کتابی به فارسی در این زمینه برآمد و مجموعه‌ای از مباحث بلاغی را تحت عنوان ترجمان البلاغه فراهم آورد. اگرچه محمد عمر رادویانی آگاهانه در صدد بود که به این مباحث رنگ و بوی فارسی و ایرانی بدهد؛ مثلاً برای اسامی آن صنایع که عرب‌اند، معادل فارسی وضع کرد یا بعضی از آن‌ها را از این جهت که با زبان و ادبیات فارسی تناسبی ندارند به برهه نقد کشانید، اما تلاش‌های او توسط دیگران آن‌چنان‌که باید ادامه نیافت. برعکس بعضی موارد، که جزء بدیع و به‌طور کلی جزء علوم بلاغت نیست و یا صناعی که با زبان و ادبیات فارسی سازگاری ندارند، در کتب بعد از ترجمان البلاغه نمود بیش‌تری پیدا کرد. در بعضی از کتب بدیعی به درستی به معایب کتب بدیعی اشاره شده است. مثلاً در

مقدمه‌ی «نگاهی تازه به بدیع» آمده است «عیوب و اشکالات کتب بدیعی از قبیل تشتت در اسما و اصطلاحات، نداشتن نظم و نسقی علمی، عدم استفاده از مفاهیم کارآمد و روشنگری چون صامت و مصوت و همجا، تعاریف سطحی و ناقص، مثال‌های تکراری و کهنه و غیره و غیره...» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۴) و یا در بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی ایرادی از قبیل: تعاریف و مطالب سطحی و نارسا، تقلید کردن علما از همدیگر، عدم توجه به نقش و ارزش زیبایی‌آفرینی و... ذکر شده است (وحیدیان، ۱۳۷۹:).

این ایرادات گاهی مربوط به کتب ادبیات عربی بوده و عیناً در کتب فارسی نیز راه یافته است. بعضی از کتب بدیعی از جمله المعجم فی معایر اشعار المعجم گوتی برای خواص و با بی‌حوصلگی هرچه تمام‌تر نوشته شده است. بعضی از مؤلفین در مورد بعضی از صنایع دقت‌های خاص و قابل ستایشی کرده‌اند. (مانند دقت‌های دکتر سیروس شمیسا در بخش ایهام) اما دیگر صنایع را با همان تعاریف و احیاناً مثال‌های پیشینیان ذکر کرده‌اند. به‌طور کلی تعاریف نارسا، متضاد و غلط، اسامی مختلف برای تعریف واحد، تعاریف مختلف برای اسامی واحد، مثال‌های غلط و تکراری، عدم اطلاع دقیق مؤلفین از کتب پیشینیان، عدم دقت در تقسیم‌بندی صنایع به لفظی و معنوی، ذکر کردن صناعی در بدیع که جزء بدیعی و یا به‌طور کلی جزء علوم بلاغت نیست و... باعث شده است که فهمیدن و فهماندن بدیع تا حدی مشکل باشد.



(هرگاه حروف تشکیل دهنده کلمه، باعث شوند کلمه به سختی تلفظ شود) می گوید: «از این رو نمونه‌ای که بدیع نویسان از سرناچاری در پارسی برای این آهو یافته‌اند و به دست داده‌اند به هیچ روی نمونه‌ای درست و به سزای نمی‌تواند بود. آن نمونه «پنهانست» در این بیت از مولوی است:

دو دهان داریم گویان هم چونی
یک دهان پنهانست در لب‌های وی

«پنهانست» واژه‌ای ساده و جداگانه نیست که بتواند نمونه‌ای از ناسازی آوایی باشد. پنهانست از دو واژه ساده «پنهان» و «است» ساخته شده است که هیچ کدام واژه‌ای درشت و ناهموار نیست. (ص ۳۰). و در مورد تتابع اضافات که از عیوب کلام محسوب شده است، می‌گوید: «بی‌گمان هر پی‌آوردی (تتابع اضافات) در واژگان سخن را به آهو و عیبناک نمی‌توان کرد. راستی را که پی‌آورد واژگان در بیت‌های زیر از سعدی و حافظ به هیچ روی ناپسند و ناشیوا شمرده نمی‌تواند شد» (ص ۳۸)

خواب‌نوشین بامداد رحیل
باز دارد پیاده راز سیل

به صفای دل زندان صبحی زدگان
بس در بسته به مفتاح دعا بگشایند

در حالی که در کتب معالم البلاغه (ص ۱۶)، فنون بلاغت (ص ۲۲)، بیت زیبا و مشهور سعدی «خواب‌نوشین...» به خاطر اضافه شدن چند کلمه به همدیگر، معیوب و غیر فصیح دانسته شده است. با این که دکتر

علوم بلاغی از جمله بدیع، تحت تأثیر زبان و ادبیات عرب وارد ادبیات فارسی شده است. از این رهگذر دو عیب عمده متوجه بدیع و ادبیات فارسی شده است.

۱. بعضی از این صنایع با زبان و ادبیات فارسی سازگاری ندارند و نمی‌توانند سخن فارسی را بیارایند، یا آن مواردی که عیب سخن پنداشته شده‌اند، شاید در زبان فارسی عیبی به شمار نیایند. به عنوان نمونه «تنافر حروف و تتابع اضافات» را جزء عیوب کلمه و کلام دانسته‌اند که در مقدمه‌ی بعضی از کتب بدیعی فارسی از جمله المعجم، معالم البلاغه، فنون البلاغت، زیبا شناسی سخن پارسی و... آمده است. دکتر کزازی در مقدمه‌ی زیباشناسی سخن پارسی در مورد تنها مثال تنافر حروف

دانش‌آموزان و بعضاً دانشجویان با وجود یادگیری و حفظ تعاریف صنایع و مثال‌های آن، که در کتب بدیعی آمده است، نمی‌توانند به راحتی صنایع دیگر اشعار را - که بعضاً راز زیبایی اشعار در گرو آن صنایع است - تشخیص دهند. برای نمونه در این مقاله ما به بررسی یکی از این عیوب می‌پردازیم، و آن تأثیرپذیری بیش از حد بدیع ادبیات فارسی از ادبیات عرب است. هر چند مسائل زیبایی‌شناسی کلام و هنرهای سخن‌آرایی در تمام زبان‌ها به نحوی وجود دارد و در بسیاری از موارد این هنرها و صنایع مشترک‌اند، اما نمی‌توان ادعا کرد که تمام مواردی که در زبانی، «هنر» یا «عیب» محسوب شده‌اند در تمام زبان‌ها همان نقش را داشته باشند. چنان‌که بدیهی است مباحث

کزازی آگاهانه این موارد را به درستی به بوته نقد می‌کشاند، اما مطابق دیگر کتب، از آن‌ها به عنوان عیوب سخن پارسی یاد شده است.

دکتر شمیسا در نگاهی تازه به بدیع، در مورد تتابع اضافات، که در زبان عربی از عیوب فصاحت کلام است، در مبحث هم صدائی می‌گوید: «تتابع اضافات در زبان فارسی (بر خلاف عربی) مستحسن و مقبول است زیرا تکرار منظم مصوت کوتاه است» سپس در پاورقی ادامه می‌دهد «این که در مقدمه‌ی کتب بلاغی نوشته‌اند تتابع اضافات مخل فصاحت است ناظر به ساخت زبان عربی است که در آن هر کلمه بنا به موقعیت نحوی خود حرکتی متفاوت با کلمه‌ی بعد دارد: ذَکِرَ رَحْمَةً رَبِّكَ عِبْدَهُ زَكَرِيَّا (سوره‌ی ۱۹ آیه‌ی ۲: بیان رحمت کردن پروردگار توست بنده‌اش زکریا را) پایان هر کلمه حرکتی است. حال در فارسی همه‌ی کلمات مختم به e می‌شود» ویرایش دوم (ص ۸۱).

۲. با این که زبان و به تبع آن ادبیات هر قومی پویاست، اما توجه بیش از حد علمای بلاغت قدیم به کتب بلاغی عربی و توجه متأخرین به کتب قدما و کتب عربی باعث ایستایی بدیع فارسی شده است. به همین دلیل عنوانین، تعاریف و مثال‌های بدیعی در اکثر کتب تقریباً یکسان است... هر چند نباید در این زمینه تلاش‌ها و زحمات بعضی از علمای قدیم و متأخر را نادیده گرفت.

ما در ذیل، نظر بعضی از علمای بدیع را درباره‌ی عدم مطابقت صددرصد صنایع بدیعی در دو زبان مختلف، نقل می‌کنیم.

میر غلامعلی آزاد بلگرامی اندیشه‌ور هندی در کتاب *غزلان الهند* (مطالعه‌ی تطبیقی بلاغت هندی و فارسی و...) در این زمینه نکات ارزنده‌ای را یادآور می‌کند:

«فقیر، صنایع عربی و هندی [را] ملاحظه کرده‌ام. سه قسم بر آمد: بعضی مشترک در عرب و هند؛ مثل ایهام و حسن تعلیل و تجاهل العارف و مراجعت و استعاره و تشبیه و جناس

و... و بعضی [مختص] به عرب؛ مثل استخدام مضممر و حسن تخلص یعنی گریز قصیده و تاریخ به قاعده‌ی جمل، و بعضی مختص به هند» (ص ۳۲). سپس از بیست و هفت صنعت هندی که در کتب هند موجود است و سی و پنج صنعت دیگر که خود استخراج کرده و پنج صنعت دیگر، در مجموع شصت و هفت صنعت را در این کتاب نقل می‌کند و توضیح می‌دهد.

دکتر کزازی در پاسخ به این پرسش که چرا زیباشناسی سخن پارسی آن‌چنان که شایسته‌ی آن است باز نموده نشده است، می‌گوید: «ادب فارسی با همه‌ی فسوسنکاری و دلارایی‌اش همواره در سایه و کنار مانده است؛ و اگر بدان پرداخته‌اند چونان دنباله و وابسته‌ای از ادب تازی بوده است؛ از این روی، این دو ادب که در ساختار زبان‌شناسی و کاربردها و بنیادهای زیباشناختی از هم جدابند باهم در آمیخته‌اند، بدین سان چهره‌ی راستین سخن پارسی در پرده‌ی پوشیدگی نهان مانده است. چه بسا در بررسی زیباشناسانه‌ی آن از روش‌ها و هنرهایی سخن رفته است که پیوندی چندان با زبان و ادب پارسی ندارند» (ص ۹).

یا در مورد صنعت «ایهام دوگانه» می‌گوید: «ساخت بیت یا جمله آن‌چنان باشد که بتوان دو معنای ناساز از گونه‌ی ستایش و نکوهش یا آفرین و نفرین از آن ستاند» و در ادامه می‌گوید: «پایه‌ی دوگانگی بیش‌تر بر ساخت جمله‌ی پارسی نهاده شده که نیک ساده است، به گونه‌ای که جای واژه در جمله گونه‌ی نحوی آن را رقم می‌زند در دوگانگی. با دیگرگون کردن جای واژگان، می‌توان نهاد را به گزاره و گزاره را به نهاد دیگرگون کرد» (ص ۱۴۵). چنان‌که واضح است منظور دکتر کزازی از این که «پایه‌ی دوگانگی بیش‌تر بر ساخت جمله پارسی نهاده شده است» این است که، این ساختار در زبان عربی وجود ندارد؛ مثلاً در مثال:

ای خواجه ضیا شود ز روی تو ظلم

با طلعت تو سور نماید ماتم

در زبان عربی نمی‌تواند دو معنی متضاد را دربر گرفته باشد زیرا به ناچار نهاد (مبتدا) با خبر، از جهاتی با هم تفاوت خواهند داشت؛ به خصوص اگر با افعال ناقصه یا دیگر نواسخ همراه باشد، اما در این مثال هم ظلم و هم ضیا می‌تواند نهاد جمله باشد.

در ترجمان البلاغه درباره‌ی صنعت «معجزه» می‌گوید: «و این عمل پیش‌تر آید» به عربی «از آنک به پارسی؛ ایراکه پارسی را حروف اتدک است و هم کلمات و الفاظ» (ص ۱۰۸).

دکتر شمیسا درباره‌ی سجع می‌گوید: «باید توجه داشت که هیچ زبانی مانند زبان عربی برای سجع مناسب نیست زیرا زبان عربی قالبی است و تمام کلماتی که در یک قالب باشند (مثلاً قالب فاعل یا مفعول) نسبت به هم سجع متوازن‌اند یا متوازی» (ص ۴۲).

گاهی اوقات مواردی در زبانی آن قدر نمود داشته که به عنوان صنعتی شناخته شده است، در حالی که همان مورد در زبان و ادبیات دیگر وجود دارد ولی به عنوان صنعت به آن ننگریسته‌اند. مثلاً دکتر شمیسا در مورد «صدا معنایی»، در پاورقی از قول «ریکا» می‌گوید: «نمایش صدا به وسیله‌ی انتخاب کلمات مناسب (انگلیسی imitative sounds و به آلمانی ton malerei) - که ظاهراً از نظر علم بدیع شرقی دور مانده است» (ص ۱۲۸).

دکتر وحیدیان در بدیع از دیدگاه زیباشناسی راجع به «تکرار نحوی» می‌گوید: «تکرار الگوی نحوی ترفندی است که علمای بدیع ما به آن توجه نداشته‌اند و حال آن‌که برجسته و زیباست و در ادب غرب جزو ترفندهای ادبی است» (ص ۵۶). راست آن است که با وجود صنایعی مانند «موازنه» و به خصوص «ترصیع»، علمای ما به فکر تکرار منظم نقش نحوی کلمات در دو مصرع نبوده‌اند و نیازی هم نیست و حتماً در ادبیات غرب زیبا و باارزش بوده که جزء صنایع ذکر شده است.



آشنایی با مجله های رشد

دفتر انتشارات کمک آموزشی

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- **رشد آموزش ابتدایی**، **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی**، **رشد تکنولوژی آموزشی**، **رشد مدرسه فردا**، **رشد مدیریت مدرسه**
- **رشد معلم (دو هفته نامه)**

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- **رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی)**، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، **رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی)**، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، **رشد آموزش معارف اسلامی**، **رشد آموزش جغرافیا**، **رشد آموزش تاریخ**، **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، **رشد آموزش زبان**، **رشد آموزش زیست شناسی**، **رشد آموزش تربیت بدنی**، **رشد آموزش فیزیک**، **رشد آموزش شیمی**، **رشد آموزش ریاضی**، **رشد آموزش هنر**، **رشد آموزش قرآن**، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، **رشد آموزش زمین شناسی**، **رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاور مدرسه**.

کاربران ایرانی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

قبیل تجرید، مشاکله، لغز، معما، هزل و مطایبه، حسن مقطع، حسن مطلع، ذوالقافیتین و ذوبحرین و... اما این نیاز هم چنان احساس می شود. آن چه به عنوان تأثیر از بلاغت عربی در کتب اولیه ی بلاغی وجود دارد از دید ما نه فقط ایراد ندارد بلکه حسن هم تلقی می شود، زیرا از توانایی های زبان و ادبیات هر کشوری این است که نکات مثبت ادبی را از سایر ملل گرفته و در خود حل کند، اما آن چه در این نوشته به عنوان اشکال مطرح می شود تأثیر پذیری های منفی و کورکورانه است. زیرا چنان که گفتیم «صنایع بدیعی» و به طور کلی «علوم بلاغت» هر چند در تمام زبان ها و ادبیات جهان مشترکات فراوانی دارند اما نکاتی هم وجود دارد که قابل تطبیق در دو زبان متفاوت نیستند. نکته ی مهم دیگر این که، در کتب اولیه ی زبان پارسی، چون کتاب را برای عرب و عجم می نوشتند (چنان که از حدائق السحر نقل کردیم) به ناچار از مثال های ادبیات عرب هم استفاده می کردند؛ این دقیقه از دید بعضی از متأخرین دور مانده و بدون هیچ دلیلی به ذکر امثله ی عربی (آن هم به باور ما جز در موارد نادر، اکثر مثال ها را از کتب بدیعی عرب گرفته اند نه از اوایلین شعرای آن طایفه)، پرداخته اند، برای روشن تر شدن این مدعا کافی است نگاهی به مثال های عربی ترجمان البلاغه که برای فارسی زبانان نوشته شده است و حدائق السحر که دیدی دوگانه داشته است بیفکنیم، (در ترجمان البلاغه جز مواردی که چاره ای نداشته، از آوردن مثال های عربی خودداری کرده است؛ فقط ۹ بیت در ذیل صنعت ترجمه، که ترجمه ی ابیات عربی را همراه با اصل اشعار نقل کرده است، یا در ذیل صنعت ملمع ۵ بیت عربی نقل کرده است) اما در حدائق السحر در مقابل

از این مهم تر، ماهیت صنایع بدیعی گاهی در زبان های مختلف، متفاوت است. مثلاً بسیاری از صنایع ادبیات هندی با این که مصداق آن ها در ادبیات فارسی وجود دارد ولی هیچ گاه به عنوان یک صنعت ادبی جلب توجه نمی کنند بلکه بیش تر به عنوان یک مضمون شعری مدنظرند (صنایعی از قبیل «طغیان»، «تسلاط»، «استبداد»، «اعتساف»، «موالات العدو»، «مخالطه» و...) به عنوان مثال صنعت «قلب الماهیه» را با ذکر تعریف مثال از کتاب غزالان الیهند نقل می کنیم: «قلب الماهیه عبارت است از این که متبدل شود حقیقت چیزی به چیزی دیگر» مثالش از میر عظیمت الله بیخبر بلگرامی:

وقت پا شستن زبس شیرین تحرک می کند
می شود شان غسل در دست خادم سنگ پا

(ص ۵۳)

آن چه به عنوان تشکیل دهنده ی صنعت، مدنظر نویسنده بوده، این است که سنگ پا به شان غسل تبدیل شود. اگر چه بیت فی نفسه زیباست، اما از این دست شگردها در ادبیات فارسی فراوان است ولی هیچ گاه به عنوان صنعت مدنظر نبوده اند.

به طور کلی نه فقط در مباحث بدیعی و بلاغی، بلکه در دیگر نظام های ادبی و مسائل مربوط به ادبیات، تفاوت هایی در زبان های مختلف وجود دارد؛ مثلاً وزن شعر در تمام زبان های عروضی نیست، حتی در زبان هایی مثل فارسی و عربی که عروضی است و هر دو هم ظاهراً از یک اصل منشعب شده اند، به مرور زمان بعضی از اوزان خاص زبان عربی مانده و بعضی دیگر در زبان فارسی پرورده شده اند و بعضاً اوزان جدید متناسب با زبان و شعر فارسی اختراع شده اند و حتی زحاف های خاصی پیدا کرده اند.

مؤلف کتاب «نگاهی تازه به بدیع» موارد فراوانی را که تا قبل از این کتاب در بسیاری از کتب جزء آرایه ی ادبی شمرده می شده به درستی از مباحث بدیعی حذف کرده است (از

آموزش زبان و ادب فارسی

دوره ی بیست و یکم
شماره ی ۱
۶۳ پاییز ۱۳۸۶



شرایط

۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.

۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- + نام مجله :
- + نام و نام خانوادگی :
- + تاریخ تولد :
- + میزان تحصیلات :
- + تلفن :
- + نشانی کامل پستی :
- استان : شهرستان :
- خیابان :
- پلاک : کدپستی :
- + مبلغ واریز شده :
- + شماره و تاریخ رسید بانکی :
- + آیا مایل به دریافت مجله درخواستی به صورت پست پیشتاز هستید؟ بله خیر

امضا:



یادآوری:

- + هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- + منبای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
- + برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).

۲۷۶ بیت فارسی، ۲۴۳ بیت عربی نیز نقل شده است.

در این جا، به عنوان مثال، نمونه هائی را از تأثیرات بی وجه بدیع نویسان فارسی از کتب بدیعی ذکر می کنیم.

۱. در معالم البلاغه، در تعریف حروف روی چنین آمده است. «مراد از حرف روی، حرف آخر غزل یا قصیده است که قصیده بر آن مبتنی و بدان منسوب است» (ص ۴۱۸). هرچند این مورد ربطی به بدیع ندارد، اما از جهات گوناگون ایراد دارد:

الف: چون مهم ترین قالب شعری عرب قصیده است، آمده است (که حرف آخر غزل یا قصیده) سپس می گوید: که قصیده بر آن مبتنی...، در حالی که در ادبیات فارسی، علاوه بر قصیده و غزل، قالب هایی مثل مثنوی، رباعی و دوبیتی کم نیست.

ب: چون قصاید عرب ردیف ندارند و معمولاً آخرین حرف بیت، حرف روی است و نام گذاری قصاید، مثل لامیه و نونیه و سینه بر مبنای حرف روی است، آن را به ادبیات فارسی هم لایذ قابل تطبیق دانسته، در حالی که بسیاری از قصاید و غزلیات فارسی ردیف دارند و همیشه حرف آخر ابیات، حرف روی نیست، ضمن این که قصایدی که ردیف ندارند ممکن است بعد از حرف روی، حروف وصل و خروج و... آمده باشد.

۲. در معالم البلاغه در مورد انواع «تجرید»، عیناً مانند کتب عربی از تجرید به وسیله ی حرف جر «من»، حرف جر «باء» و حرف جر «فی» بحث می کند که در همه ی موارد از مثال های عربی استفاده کرده است، زیرا عملاً استعمال حرف «فی» و «من» در زبان فارسی مرسوم و معمول نیست، و این موارد هیچ ربطی نمی تواند به زبان فارسی داشته باشد. در

درر الادب نیز همین موارد ذکر شده است. (ص ۱۹۴) و...

در پایان، با توجه به مسائلی که گفته شد، معتقدم کسانی که می خواهند در زمینه ی بدیع کتاب بنویسند به جای صرفاً تتبع در کتب بدیعی و نقل نظریات گذشتگان، که مرسوم شده، بهتر است ضمن تکیه بر زبان و ادب کاربردی، دیوان شاعران و نویسندگان ادوار مختلف شعر و نثر فارسی را بررسی کنند و زیبایی های ادبی موفق آن ها را استخراج نمایند.



۱. آزاد بلگرامی، میرغلامعلی (۱۳۸۲)، غزلان الهند به تصحیح شمیسا، سیروس، چاپ اول، انتشارات صدای معاصر، تهران
۲. آقاولی، حسام العلما (۱۳۴۰). درر الادب، چاپ اول، شرکت سهامی طبع کتاب، تهران
۳. رادویانی، محمدعمر (۱۳۶۲). ترجمان البلاغه، تصحیح آتش، احمد، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران
۴. رازی، شمس الدین محمدبن قیس (۱۳۷۳)، المعجم فی معابیر اشعار المعجم، به کوشش شمیسا، سیروس، چاپ اول، انتشارات فردوس، تهران
۵. رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۳). معالم البلاغه، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز
۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۹). نگاهی تازه به بدیع، چاپ دهم، انتشارات فردوس، تهران
۷. قزوینی، خطیب (۱۹۹۷). التلخیص فی علوم البلاغه، چاپ اول، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت
۸. کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۱). زیاشناسی سخن فارسی، چاپ پنجم، انتشارات کتاب ماد، تهران
۹. گرگانی، حاج محمدحسین شمس العلماء (۱۳۷۷). ابداع البدایع، به اهتمام: جعفری، حسین، چاپ اول، انتشارات احرار، تهران
۱۰. ندا، طه، (۱۳۸۰). ادبیات تطبیقی، مترجم، خسروی، زهرا، انتشارات فرزاد، تهران
۱۱. واعظ کاشفی، کمال الدین حسین (۱۳۶۹)، بدایع الافکار فی صنایع الأشعار، ویراسته ی کزازی، میرجلال الدین، چاپ اول، انتشارات نشر مرکز، تهران
۱۲. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹). بدیع از دیدگاه زیبائی شناسی، چاپ اول، انتشارات دوستان، تهران
۱۳. وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲). حدائق السحرفی دقائق الشعر به تصحیح اقبال آشتیانی، عباس، چاپ دوم، انتشارات طهوری و سنائی، تهران
۱۴. همای، جلال الدین (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ دوم، انتشارات نشر نیما

